

## توزیع جغرافیایی ، تعداد و نوع واحدهای صنعتی کشور و علل توسعه ناحیه‌ای آن

منظور از واحد صنعتی تشکیلاتی است که حداقل ۱۰ نفر کارگر شاغل و تعدادی ماشین ساده و پیچیده و یک یا چند نوع تولید صنعتی دارد و مراحل قانونی آن نظیر اخذ موافقت اصولی از وزارت صنایع ، کسب اشتراک آب و برق و تلفن ، بیمه کردن و ایمن‌سازی محیط در مقابل خطرات احتمالی نظیر آتش‌سوزی طی شده است و بدین ترتیب بحث ما شامل واحدهای غیر بهداشتی و مخفی و منازل و کارگاههای ساده نمی‌شود .

از آنجا که هنوز نتایج سرشماری عمومی کشور (آبان ۱۳۶۵) اعلام نشده است ، ناچار از آخرین آمارهای مرکز آمار ایران استفاده می‌کنیم. طبق این گزارش مجموع واحدهای صنعتی کشور در سال ۱۳۶۳ حدود ۶۶۰۰ کارگاه است که نسبت به سال ۱۳۶۲ (۶۸۰۰ کارگاه) ۲۰۰ واحد و نسبت به سال ۱۳۶۱ (۷۰۰۰ کارگاه) ۴۰۰ واحد کاهش نشان می‌دهد . این پدیده مربوط است به استنادارد و نبودن مراحل تولید و کالای تولیدی ، نرسیدن به موقع و به حد کافی مواد اولیه خصوصاً مواد اولیه وارداتی ، نداشتن قدرت اقتصادی و مدیریت قوی برای ادامه کار و یا بروز حوادث و نقصهای فنی که در نهایت منجر به انحلال و یا تعطیل موقتی تعدادی از آن واحدها شده است . درصد توزیع و تنوع واحدهای صنعتی مذکور عبارتست از :

۱- صنایع ساختمانی و معدنی و صنایع وابسته به آنها (واحدهای استخراج و تهیه مواد معدنی غیر از نفت و زغال‌سنگ مثل کارگاه‌های تهیه شن و ماسه،

آجرپزی، تهیه سیمان، گچ و آهک، سنگبری و سنگتراشی، بتون سازی، قطعات پیش ساخته ساختمانی، ... (۲۵۰۰ کارگاه ۳۸٪).

۲ - صنایع نساجی و کفش و چرم: ۱۲۰۰ کارگاه و کارخانه ۱۸٪.

۳ - صنایع غذایی (قند، نوشابه، کنسرو و کمپوت، گلوکز و نشاسته، ماکارونی ورشته، شکلات و شیرینی، شیرخشک و دخانیات، ... (۹۵۰ کارخانه ۱۴/۳٪).

۴ - صنایع تولیدی ماشین آلات و ابزار و تجهیزات صنعتی و عمومی (تولید خودرو، ابزارسازی، تولید وسایل کشاورزی و خانگی، ... (۹۴۰ کارخانه ۱۳/۹٪).

۵ - صنایع دارویی و شیمیایی (پودر و مایعات پاک کننده، صابون، خمیردندان و شامپو، لسوازم آرایش و عطر، لاستیک سازی، پالایشگاه، پتروشیمی، داروسازی، رنگ سازی، مشمع و نایلون و لوازم پزشکی نظیر سرنگ، ... (۵۳۰ کارخانه ۸٪).

۶ - صنایع سلولزی و بسته بندی (صنایع چوبی، کاغذ، کارتن، مقوا، دستمال کاغذی، پوشک بچه، نوار بهداشتی، کبریت) ۴۲۰ کارخانه معادل ۶/۳٪ کل کارخانجات موجود.

۷ - صنایع فلزی (ذوب آهن و فولاد، لوله و نورد، آلومینیوم سازی، پروفیل سازی، ... (۷۰ کارخانه ۱٪).

۸ - صنایع برقی و متفرقه: ۳۱ واحد صنفی ۵/۵٪.

جدول درصد توزیع واحدهای صنعتی کشور نسبت به صنایع مختلف

ردیف	نوع صنایع	درصد کارخانجات موجود
۱	ساختمانی و معدنی	۳۸٪
۲	نساجی و کفش و چرم	۱۸٪
۳	غذایی	۱۴/۳٪
۴	تولیدی ماشین و ابزارآلات	۱۳/۹٪
۵	دارویی و شیمیایی	۸٪
۶	سلولزی و بسته بندی	۶/۳٪
۷	فلزی	۱٪
۸	برق و متفرقه	۵/۵٪
	جمع	۱۰۰٪

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین تعداد واحدهای صنعتی کشور به ترتیب به گروه صنایع ساختمانی، صنایع نساجی و چرم‌سازی، صنایع غذایی و صنایع تولیدی ماشین و ابزار آلات اختصاص دارد که علل عمده این اختصاص به این قرار است:

۱- وجود کانیهای نظیر گچ، آهک، سنگ مرمر و فراوانی شن، ماسه، خاک رس و مواد اولیه کارخانه‌های سیمان و نیاز روزافزون مردم به ساختمانهای بیشتر سبب توسعه صنایع ساختمانی و معدنی مربوط به این صنعت شده است.

۲- شرایط محیطی مساعد برای کشت گیاهان صنعتی نظیر چغندر قند، کنف، پنبه و وجود مراتع مناسب دامداری، منابع طبیعی تأمین پروتئین، شیلات، صنایع غذایی و نساجی و چرم و تولید کفش را توسعه داده است.

۳- توسعه زندگی نوین و رسوخ روزافزون آن به تمام جوامع شهری و روستایی سبب تقاضای فزاینده لوازم و اسبابهای این زندگی و به تبع آن گسترش صنایع تولید وسایل خانگی و مصرفی شده است.

### توزیع ناحیه‌ای واحدهای صنعتی

به زبان ساده‌تر می‌خواهیم بیان کنیم تعداد مراکز صنعتی سرشماری شده کشور بیشتر در کدام بخشهای جغرافیایی کشور توزیع شده‌اند و علل توزیع و توسعه آنها به کدام عامل جغرافیایی (طبیعی، انسانی) مرتبط است در این مورد ضمن ناحیه‌بندی صنعتی کشور، به مهم‌ترین استانها و قطبهای صنعتی نیز اشاره می‌کنیم.

قبل از ناحیه‌بندی صنعتی می‌بایست اشاره کنیم که نواحی منتخب در زیر بر مبنای تقسیم‌بندی ناحیه‌ای عمومی کشور که بر طبق ضوابط انسانی، طبیعی، قومی و فرهنگی، معیشتی، صنعتی و... معمولاً در نظر گرفته می‌شده است. در این ناحیه‌بندی جمعیت و نحوه توزیع آن، وضع اقتصادی، آب و هوا و ژئومورفولوژی، شبکه ارتباطی و توسعه صنعت از مؤثرترین عوامل مربوطه هستند. این نواحی عبارتند از:



- ۱ - ناحیه بین البرز و زاگرس (تهران، اصفهان، زنجان، همدان، مرکزی) ۳۹۱۰ واحد ۶۰٪ واحدهای صنعتی کشور.
  - ۲ - ناحیه شمال غرب (استانهای آذربایجان شرقی و غربی) ۵۳۲ واحد، ۸٪ صنایع کشور.
  - ۳ - ناحیه سواحل خزری (گیلان و مازندران) ۵۳۲ کارخانه ۸٪ صنایع کشور.
  - ۴ - ناحیه خراسان شمالی: ۴۶۵ کارخانه کمی بیش از ۷٪ صنایع کشور.
  - ۵ - ناحیه جنوب کشور (خوزستان، کهگیلویه، بوشهر، فارس، هرمزگان) ۴۵۴ کارخانه ۷٪ کل صنایع کشور.
  - ۶ - ناحیه خشک و بیابانی مشرق، جنوب شرق و مرکز ایران: ۳۵۸ کارخانه ۵/۵٪ کل کارخانجات صنایع کشور.
  - ۷ - ناحیه غرب کشور (باختران، کردستان، ایلام، چهارمحال بختیاری، لرستان) ۲۹۲ کارخانه ۴/۵٪ کل صنایع کشور.
- از طریق تقسیمات فوق می توان به این مطلب پی برد که بیشترین واحدهای صنعتی در محور بین البرز و زاگرس توزیع شده است که البته در این ناحیه استان تهران و خصوصاً شهر تهران و کرج با داشتن ۶۰٪ از واحدهای صنعتی این ناحیه (۲۳۷۰ کارخانه) و حتی در تمام بخشهای کشور مقام اول را از لحاظ توسعه صنعت به خود اختصاص داده است.
- شهر اصفهان و حومه آن نیز پس از تهران با داشتن ۱۸٪ صنایع این ناحیه (۷۰۲ کارخانه) هم در این ناحیه و هم در کشور مقام دوم را از نظر توسعه دارد ولی کیفیت و نوع صنعت را اگر در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد که مهمترین و حساس و گسترده ترین صنایع در این شهر پایه ریزی شده است نظیر: ذوب آهن - پالایشگاه - فولادسازی - پلی اکریل.
- استان مرکزی نیز با داشتن صنایع مختلف ماشین سازی (تراکتور - سازی جاندیر) - تولید دیگ بخار - آلومینیم سازی - پروفیل سازی - شیمیایی (هیکو) و صدها رشته صنعتی دیگر در شهرهای صنعتی اراک و کاوه واقع در شهرستانهای اراک و ساوه، پس از تهران و اصفهان مقام سوم

را در ناحیه و مقام چهارم را در کل کشور پس از تهران، اصفهان و خراسان از لحاظ استعداد صنعتی شدن و توسعه شبکه‌های صنعتی به خود اختصاص داده و در سطح این ناحیه ۱۱٪ صنایع را به خود اختصاص داد است.

نواحی شمال غرب و خزری هر کدام با داشتن ۸٪ صنایع مملکت پس از ناحیه اول در مقام دوم قرار دارند و در شمال غرب، استان آذربایجان شرقی با ۳۹۰ کارخانه بیشترین توسعه صنعتی را در سطح این ناحیه نشان می‌دهد خصوصاً با داشتن صنایعی نظیر ماشین‌سازی، تراکتورسازی، ابزارسازی، صنایع مصالح ساختمانی و سیمان صوفیان در تبریز و مجتمع کشت و صنعت مغان.

در ناحیه خزری از ۵۳۲ کارخانه موجود ۳۱۰ کارخانه در استان مازندران قرار دارد که مهمترین آنها عبارتند از: کارخانه روغن نباتی آزادشهر و بابل - نئوپان ۲۲ بهمن، فیبر بابلسر، فرش ماشینی البرز، حریر قائمشهر، تخته و درب‌سازی شهید رجایی در ساری، شرکت تخته شهید دکتر باهنر گرگان، سیمان شمال نکا، نیروگاه حرارتی نکا، گونی-بافی و حریربافی بهشهر و قائمشهر، تعداد زیادی کارخانه پنبه‌پاک‌کنی و نساجی در سطح ناحیه.

نواحی جنوب کشور و خراسان نیز هر کدام با کسب ۷٪ کل صنایع کشور در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. در ناحیه جنوب کشور هم، استانهای خوزستان و فارس از لحاظ توسعه صنعت و وضعیت بسیار خوبی را نشان می‌دهند خصوصاً در زمینه‌های صنایع نفت و پتروشیمی، فلزی و برق. استان خوزستان با داشتن ۱۴۱ کارخانه نظیر لوله‌سازی اهواز، پتروشیمی‌های متعدد، پالایشگاه نفت، کارخانه فلزی سپنتا، سیمان بهبهان، کاغذ پارس در هفت‌تپه، کشت و صنعت کارون و مجتمع سد دز فول خود یک ناحیه صنعتی در کشور به‌شمار می‌رود.

استان فارس نیز با ۲۶۰ کارخانه خصوصاً در اطراف شیراز و مرودشت یک منطقه مهم رو به رشد صنعتی محسوب می‌شود که واحدهایی نظیر تولید لوله‌های پولیکا، لاستیک اتومبیل (بریجستون)، لامپ و لوازم الکتریکی،

نایلون و کارتین (ایران نایلا)، پالایشگاه نفت، پروشیمی مرو دشت، مواد شیمیایی (کارخانه پرسپولیس)، کارگاههای تولید آهک و گچ (اطراف کازرون) کشت و صنعت دشت مرغاب و سیمان فارس در آن استقرار دارد.

در شمال خراسان که در حقیقت یک ناحیه متمایز از مرکز و جنوب آن به شمار می رود استعداد کافی و بالقوه ای در جهت توسعه صنایع در آن وجود دارد و بتنهایی ۷٪ صنعت کشور را در خود جای داده است. کارخانه های متعدد قند، کنسرو، کارتین و قوطی سازی، سیمان، تولید مواد شیمیایی و ابزار سازی، نساجی و مصالح ساختمانی مهمترین صنایع این ناحیه به شمار می روند که اغلب در اطراف مشهد خصوصاً در شرق و غرب آن واقعند.

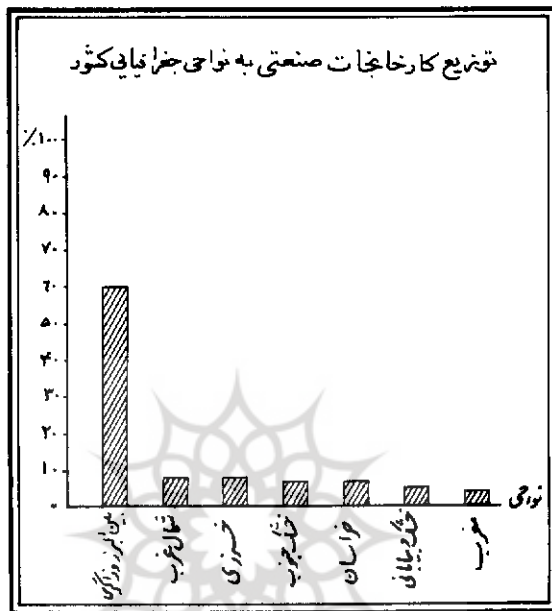
مرکز و شرق و جنوب خراسان همانند سیستان و بلوچستان، سمنان و کرمان از توسعه صنعتی مانند سایر مناطق بی نصیب مانده است زیرا مساعدتهای طبیعی و محرومیتها و پراکنده شدن جمعیت و دور بودن از مراکز عمده جمعیتی کشور هیچ گونه جاذبه ای برای بخش صنعت نداشته است. نهایت آن که هر اندازه از جنوب به شمال و از مشرق به سمت مغرب مملکت پیشرویم توسعه صنعت و تراکم واحدهای صنعتی را می توانیم احساس کنیم.

جدول توزیع ناحیه ای واحدهای صنعتی با ذکر آمارهای مربوطه

ردیف	ناحیه	تعداد کارخانه	درصد به کل صنایع	مهمترین شهرهای صنعتی
۱	بین البرز و زاگرس	۳۹۱۰	۶۰٪	تهران، اصفهان، اراک، ساوه
۲	شمال غرب	۵۳۲	۸٪	تبریز
۳	سواحل خزری	۵۳۲	۸٪	رشت، گرگان، بهشهر، ساری
۴	خراسان شمالی	۴۶۵	بیش از ۷٪	مشهد
۵	جنوب کشور	۴۵۴	۷٪	اهواز، شیراز، مرو دشت
۶	خشک و بیابانی داخل	۳۵۸	۵/۵٪	یزد، کاشان
۷	غرب کشور	۲۹۲	۴/۵٪	باختران، خرم آباد
جمع	سطح کشور	۶۵۴۳	۱۰۰٪	







از طرف دیگر عوامل مهمی که در توسعه و کامیابی صنعتی محورها و شهرهای واقع در آن مؤثر واقع شده‌اند بدطور خلاصه بدشرح زیر تقسیم بندی می‌شود:

- ۱ - شرایط مساعد طبیعی : حاکمیت اقلیم معتدل در بخشهای شمال غرب ، بین البرز و زاگرس ، خراسان شمالی، سواحل خزر و فارس و از طرف دیگر وجود منابع آب کافی در بخش صنعت نظیر زاینده رود در اصفهان ، کارون و کرخه و... درخوزستان ، آبهای غنی زیرزمینی در اراک، ساوه ، مشهد، تهران ، تبریز و... منابع آب غنی در سواحل خزری که هم آب مصرفی در بخش صنایع و هم آب کافی برای توسعه و عمران و جذب جمعیت را تأمین می‌کند .
- ۲ - وجود شبکه راههای اقتصادی و مفید (راه آهن سراسری کشور - تهران به تبریز، اصفهان خراسان و راههای آسفالتی که اغلب پایتخت را به سواحل جنوبی و شمالی و مراکز استانها ارتباط می‌دهند .
- ۳ - وجود جمعیت زیاد و جوان و فعال .
- ۴ - توسعه شهری فراوان و ایجاد امکانات کافی برای زندگی در شهرها و به کار انداختن سرمایه‌ها در آن .
- ۵ - افزایش نیازمندیهای شهروندان در مناطق دارای توسعه شهری که بخش صنعت را تقویت می‌کند .
- ۶ - مجاورت و ارتباط با تهران به عنوان مرکز سیاسی ، خدماتی ، اداری ، بازرگانی و پولی کشور .
- ۷ - توسعه کشاورزی و استفاده از منابع طبیعی که مواد لازم بعضی از صنایع را تأمین می‌کند .
- ۸ - وجود ذخایر زیرزمینی نظیر نفت و گاز در خوزستان و خراسان و فارس و هرمزگان - معادن فلزی و ذغال سنگ در کرمان و اصفهان و اراک و منطقه البرز که توسعه صنایع نفتی و پتروشیمی و فلزی را در پی دارد .
- ۹ - ایجاد سدهای بزرگ و تأمین برق فراوان که در توسعه صنعت مؤثر است (سد دز، سد کرج، سد سفیدرود و پیدایش شبکه سراسری برق

که بیشتر در مسیر محورهای صنعتی نیز میباشد).

۱۰ - توجه مسؤلان مربوطه بد توسعه صنعت و در نتیجه به محورهای صنعتی و شهرهای واقع در آن.

۱۱ - محرومیتها و محدودیتهای اجتماعی نواحی خشك و بیابانی، ایلام و کردستان، سیستان و بلوچستان و مرکز ایران که موجب شده است هر گونه توسعه صنعتی در نقاط دیگر که قبلاً اشاره شد انجام پذیرد.

۱۲ - دوری از غرب یا دوری از اروپا که مهمترین مرکز ارسال مواد اولیه و کالاهای نیمه ساخته شده و غیره است. هر قدر از مغرب کشور بد مشرق و جنوب شرق دور شویم به همان نسبت در رابطه با موضوع مذکور از تعداد واحدهای صنعتی کاسته می شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی